

## درآمدی بر روش‌شناسی و انواع نقد رای

حسین اعظمی چهاربرج<sup>۱</sup>

### چکیده:

تصمیمات نهایی مراجع قضایی و نتیجه تلاش دادرسان غالباً در قالب رای متجلی می‌شود. هر رای علاوه بر غرض و هدف اصلی آن که فصل خصومت، احقاق حق و اجرای عدالت است، آثار فرعی نیز دارد که از جمله می‌توان به تأثیر آن بر شیوه تفکر قضایی و تفسیر سایر قضات و حقوقدانان در موضوعات یا احکام مشابه اشاره کرد. بنابراین تحلیل علمی آراء علاوه بر تبیین نقاط قوت و ضعف رای، می‌تواند باعث توجه بیشتر دست‌اندرکاران حقوقی و تصمیم‌سازان دستگاه قضایی گردد که این امر نیز به نوبه خود موجب غنای علمی آراء خواهد شد. نقد رای نیز مانند هر پژوهش دیگری نیازمند روش‌های خاص خود است که شناخت این روش‌ها لازمه تحلیل و بررسی علمی آراء است. بنابراین در این نوشتار بر آنیم تا ضمن اشاره مختصر به اصول اولیه نقد علمی، مقدمه‌ای بر چگونگی و شاخه‌های نقد رای بیان کنیم.

**کلیدواژه‌ها:** نقد رای، روش نقد، تحلیل علمی رای، روش‌شناسی نقد رای.

---

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران و قاضی دادگستری

**مقدمه:**

روش‌شناسی را در دو مفهوم می‌توان در نظر گرفت: در مفهوم نخست؛ روش‌شناسی مجموعه گزاره‌هایی است که درباره انواع و چگونگی کاربرد روش‌ها سخن می‌گوید و در معنای دوم؛ به مجموعه ساختار اجرایی تحقیق گفته می‌شود. در این نوشتار روش‌شناسی نقد رای، در معنای دوم به کار برده شده است و درصدد هستیم تا چگونگی و ساختار پژوهشی که به «نقد رای» می‌پردازد را تبیین نماییم.

بی‌شک غالب نتایج مطالعات حقوقی و نظریات حقوقدانان و تلاش‌های محققین و قانونگذاران در آراء مراجع قضایی تبلور می‌یابد بنابراین می‌توان «رای» را به عنوان یکی از محصولات نهایی علم حقوق دانست با توجه به جایگاهی که «رای» در احقاق عدالت و فصل خصومت دارد لازم است که کنشگران عرصه‌های حقوقی، آراء صادره را در بوته نقد قرار داده و با تبیین نقاط قوت و ضعف آنها بر غنای آن بیفزایند تا تحلیل‌های صحیح قضایی نمایان‌تر شده و تصمیمات نادرست و بعضاً کلیشه‌ای مورد انتقاد قرار گیرد. البته لازم به ذکر است که شاید مقصود از «رای» در این نوشتار مفهومی وسیع‌تر از آنچه که در قانون آیین دادرسی مدنی به عنوان «رای» آمده، باشد و حتی رویه قضایی و تصمیمات غیرنهایی محاکم را در برگیرد چرا که؛ هدف از نقد رای در واقع نقد استنباط محاکم و مراجع قضایی از قوانین، مقررات، موضوعات و چگونگی تطبیق حکم به موضوع است و این استنباط مفهومی وسیع‌تر از «رای» به معنای خاص آن است.

بدین منظور ابتدا مفهوم نقد و سوالات مرسوم در آن مورد بررسی قرار می‌گیرد سپس شیوه‌های مختلفی که در نقد آراء مورد استفاده قرار می‌گیرد بیان می‌شود. در بیان این شیوه‌ها سعی شده است برای هر روش و شیوه نمونه‌ای از نقدهایی که قبلاً

چاپ شده ذکر گردد تا علاقه‌مندان برای مطالعه بیشتر به آن منابع رجوع کنند. محققین و پژوهش‌گران نیز با استقرار ناقص در پژوهش‌هایی که به نقد رای پرداخته‌اند و تعلیل منطقی روش آنها می‌توانند ما را در تکمیل روش‌های نقد رای یاری رسانند.

### گفتار اول: کلیات

نقد یعنی؛ ارزیابی، بررسی، شناسایی نمودن، زیر و رو کردن، عیب‌ها را نمایاندن است، نَقَدَ الدَّرَاهِمَ وَ غَيْرَهَا: مَيِّزَهَا وَ نَظَرَهَا لِيَعْرِفَ جَيِّدَهَا مِنْ رَدِيئِهَا: «وقتی می‌گویند درهم را نقد کرد؛ یعنی آنها را از هم جدا کرد و بررسی نمود تا سالم را از معیوب بازشناسد».<sup>۱</sup> برخی معتقدند: در مفهوم نقد؛ طلب و بی‌طرفی، بررسی و به دست گرفتن و از هم جدا کردن و پنهان‌ها را بیرون کشیدن نهفته است.<sup>۲</sup> نقد به معنی رد و مخالفت نیست بلکه نقد به معنای ارزیابی و واریسی اندیشه است لذا جا دارد که ناقد، نقاط قوت اندیشه را نیز بیان کند.<sup>۳</sup>

پس ملاحظه می‌شود که نقد از انتقاد جدا است: انتقاد فقط ناظر بر نکات منفی و کاستی‌های رای است ولی نقد نکات مثبت و منفی را توأمان دارد. همچنین، نقد برخلاف انتقاد همیشه مستدل است.<sup>۴</sup> نقد به انگیزه انتخاب کردن بهترین صورت می‌گیرد و هدف آن زمینه را فراهم نمودن است ولی انتقاد به جهت نفی نظر مورد نقد انجام می‌شود، از طرفی در نقد باید معیار و محک و میزان ثابتی وجود داشته باشد ولی در انتقاد اصولاً معیار و ضابطه مشخصی وجود ندارد. معمولاً زمانی انتقاد

۱. صفایی، علی، روش نقد، جلد اول، انتشارات لیله القدر، چاپ اول، قم، ۱۳۸۱، ص ۶.

۲. همان، ص ۷.

۳. روش نقد اندیشه چگونه است؟ مجله روش‌شناسی علوم انسانی، پاییز ۱۳۷۴، ش ۴، ص ۶۵.

۴. گرجی، مصطفی، «نقد و انتقاد مجله اطلاع‌رسانی و کتابداری»، کتاب ماه، دی ماه ۱۳۸۹ ش ۱۵۹، ص ۱۱۰.

از موضوعی مطرح می‌شود احساس می‌شود که موضوع مورد انتقاد ناکافی، ناقص و مردود است و انتقاد از دیگری نوعی کم‌لطفی یا خودمحموری معنی می‌دهد، نقد زمانی خردمندانه تلقی می‌شود که تمام جنبه‌های موضوع مورد تحلیل را با دقت بیازماید و در فرایند نقد محاسن، معایب و اهمیت آن مورد موشکافی و قضاوت قرار گیرد. انجام چنین نقدی نیازمند پیشینه‌ای کامل در تحلیل انتقادی و مهارت لازم در فرایندهای استدلالی است.<sup>۱</sup>

لازم به ذکر است که در بیان نقاط قوت باید از هرگونه مداحی و چاپلوسی احتراز گردد و فقط با ارائه ادله و قرائن نشان داد که رای صادره از چه میزان قوتی برخوردار است و قوت رای در چه قسمت یا قسمت‌هایی است. آیا رای از جهت مستدل بودن قابل تقدیر است یا از حیث رعایت قواعد و اصول نگارشی؟

لازم است که در نقد رای، اصل رای به ماهو رای نقد شود نه صادرکننده رای. همچنین باید از گذاشتن عینک پیش‌داورانه و برجسته کردن حواشی خودداری گردد.

و نهایتاً اینکه ناقد باید در نقد خود نزاکت و ادب را رعایت نماید و از کلمات تحقیرآمیز و کنایات نابجا خودداری نماید چرا که؛ این شیوه ممکن است در نظر خواننده از ارزش نقد بکاهد.

قبل از شروع به نقد هر رایی به نظر می‌رسد که ناقد باید چند پرسش را پاسخ دهد:

**اول:** ارزشیابی نخستین: آیا رایی که در پی نقد کردن آن هستیم دارای ابعاد و ویژگی‌هایی است که نقد آن تأثیری در پیشبرد دانش حقوق داشته باشد؟ یا به اصطلاح عامیانه‌تر «آیا رای به نقد کردن می‌ارزد؟»

۱. روش تحلیل انتقادی مطالعات پژوهشی (نقد علمی)، فصل ۱۳، ص ۱۶۶ قابل دسترسی در:

**دوم:** محدوده کار نقد کجاست؟ آیا محدوده نقد منحصر در یک رای است یا رویه قضایی که رای از آن الهام گرفته نیز مورد نقد قرار می‌گیرد؟ آیا محدوده مباحث منحصر در حقوق ایران است یا در نقد، موضع سیستم‌های حقوقی دیگر نیز مورد مطالعه قرار خواهد گرفت؟ آیا فقط ساختار شکلی رای مورد نقد قرار خواهد گرفت یا اینکه نحوه استدلال قاضی صادرکننده رای و فهم وی از موضوع نیز نیاز به نقد دارد؟

**سوم:** هدف از نقد رای چیست؟ آیا هدف این است که حقوقدانان، قضات و جامعه دانشگاهی را از صدور رای آگاه کنیم؟ یا اینکه استفاده از قاعده حقوقی خاصی را در آراء مراجع قضایی تبیین کنیم؟ یا نویسندگان و اهل فکر را به نوع آوری خاص در صدور رای توجه دهیم تا در راستای پیشبرد و تعالی آن گام بردارند یا اینکه از انحرافی در صدور رای برحذر داریم؟

**چهارم:** شیوه نقد به چه نحوی خواهد بود؟ آیا هدف از پژوهش، صرفاً نقد مؤید و همسو است و برای تقویت استدلال یا نتیجه رای، نقد صورت می‌گیرد؟ یا اینکه هدف از نقد، انتقاد به قسمت‌های مختلف رای است؟ یا هر دو هدف در نقد مدنظر قرار خواهد گرفت؟

**پنجم:** نتیجه نقد چه خواهد بود؟ آیا نتیجه آن تحسین یا تبیین صادرکننده رای است؟ یا تبیین شناسایی یا رد قاعده یا اصل حقوقی در آراء محاکم هدف نویسنده است؟

بعد از پاسخ به سوالات فوق که در واقع چشم‌انداز روشنی به ناقد می‌دهد باید پیش فرض‌های تحقیق مشخص شود. چرا که؛ بدون پیش فرض اساساً انجام یک پژوهش علمی امکان‌پذیر نخواهد بود.

مثلاً؛ زمانیکه رای از جهت نگارشی مورد نقد قرار گیرد باید مشخص شود که پیش فرض این نقد چیست؟ آیا دستور نگارش فرهنگستان ادب فارسی به عنوان مبنا است؟ یا رویه غالب و جا افتاده در مراجع قضایی ملاک عمل خواهد بود؟ همچنین زمانیکه رای از جهت محتوایی و ساختاری مورد نقد قرار می‌گیرد باید پیش فرض ناقد مشخص شود که آیا «قانون مداری و قانونگرایی» را به عنوان پیش فرض در نظر می‌گیرد؟ یا یک مرحله قبل تر و «قواعد و اصول کلی حقوق» مورد تسالم است؟ و نهایتاً ممکن است ناقدی در نقد یک رای «بدیهیات و مسلمات عقلی» را به عنوان پیش فرض در نظر بگیرد و سایر گزاره‌ها را قابل رد یا ابرام بداند.

### گفتار دوم: روش‌های نقد رای

روش‌های نقد رای در یک تقسیم‌بندی کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند:  
 الف: نقد محتوایی      ب: نقد ساختاری      ج: نقد نگارشی  
 که در ادامه هر کدام از روش‌های فوق و شاخه‌های آنها تبیین می‌گردد:

#### بند اول: نقد محتوایی

زمانی یک رای از جهت محتوایی مورد نقد قرار می‌گیرد که ناقد بخواهد رعایت یا عدم رعایت مقررات و قواعد شکلی و ماهوی در رای را مورد تحلیل قرار دهد. این نقد می‌تواند همسو و مؤید باشد یا تحلیل انتقادی از موضوع صورت گیرد.

در نقد محتوایی لازم است که ناقد به مباحث مطروحه در رای اشراف کامل داشته باشد و قبل از شروع به نقد، تحقیقات کاملی در خصوص موضوع نماید. چرا که بدون تسلط بر دانش‌های لازم و مرتبط با رای امکان نقد شایسته وجود نخواهد داشت.

در این حالت برای جلوگیری از پیش‌داوری و ارائه نقد جهت‌دار بهتر است که قبل از شروع به نقد، مطالعه آزاد در خصوص موضوع حقوقی مورد بحث در رای صورت گیرد و سپس با اطلاعات و دانش کافی، رای مطالعه و نهایتاً مورد نقد قرار گیرد که به چند نمونه از این نوع نقد اشاره می‌کنیم:<sup>۱</sup>

### الف: عدم توجه به قوانین و مقررات

در این نوع نقد، ناقد ادعا می‌کند که تمام یا قسمتی از مقررات آمره توسط قاضی صادرکننده رای مورد توجه قرار نگرفته است، مثلاً اگر در رای تکلیفی بر عهده یکی از اصحاب دعوا گذاشته شود و منتقد ادعا نماید که چنین تکلیفی در قوانین و مقررات مورد استناد وجود ندارد، مثل موردی که به موجب رای، فروشنده ملزم به نصب تجهیزات فروخته شده در کارخانه خریدار به عنوان یکی از آثار بیع صحیح شود ولی ناقد ادعا نماید که این حالت در آثار بیع صحیح و ماده ۳۶۲ قانون مدنی مدنظر مقنن نبوده است و از این منظر مبادرت به نقد رای می‌نماید. همچنین ممکن است به نظر ناقد، علی‌رغم وجود مقرر قانونی مرتبط، این مهم مورد توجه صادرکننده رای قرار نگرفته است و لذا می‌تواند با ذکر مقرر مزبور و توجیه و توضیح ارتباط آن با رای مورد نقد و تطبیق موضوع پرونده با حکم قانونی، رای را نقد نماید.

### ب: استناد به قوانین و مقررات منسوخ

ممکن است به نظر ناقد رای با استناد به قوانین و مقررات منسوخ صادر شده باشد برای توضیح مطلب مثالی ذکر می‌کنیم. معمولاً قرارهای تعلیق تعقیب با استناد

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: عظیمیان، محمد، نقد رای شماره ۱۴۰ - ۱۳۸۶/۳/۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ماهنامه کانون، ش ۱۰۹، صص ۱۰۷ - ۹۶.

به ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری صادر می‌شود که از جمله شرایط آن جنایی نبودن جرم مورد تعلیق است. حال ممکن است چنین قراری با ادعای اینکه در قوانین فعلی تقسیم‌بندی جرم به جنایی، جنجه‌ای و خلافی وجود ندارد لذا ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری نیز نسخ شده است مورد انتقاد قرار گیرد، این نقد، نوعی نقد محتوایی است.

### ج: تفسیر نادرست قاضی صادرکننده رای از قوانین و مقررات

بسیاری از نقدهای محتوایی، ناشی از اختلاف تفسیر ناقد و صادرکننده رای از مواد قانونی است در چنین مواردی ناقد ادعا می‌کند که تفسیر دادرس و انشاء کننده رای خلاف اصول و قواعد تفسیری است و از این حیث رای را نقد می‌کند. مثلاً چنانچه قاضی صادر کننده رای به استناد قسمت اخیر بند یک ماده ۱۱۳ قانون امور گمرگی کشف کالا در ید متهم در تهران را برای احراز تحقق جرم قاچاق کالا کافی بداند و حکم به محکومیت وی دهد ولی ناقد تحقق قاچاق را صرفاً ناظر ورود و خروج از مرز بداند و گسترش مفهوم آن به کالاهایی که در مناطق غیرمرزی (مثل تهران) کشف می‌شود را خلاف تفسیر مضیق قوانین جزایی قلمداد کند در واقع به نوع شایع نقد محتوایی دست زده است.<sup>۱</sup>

### بند دوم: نقد ساختاری

یکی دیگر از روش‌های نقد رای، نقد ساختاری آن است. در این شیوه، رای از جهت شیوه استدلال، چگونگی قرار گرفتن قسمت‌های مختلف آن در کنار هم یا

۱. لازم به ذکر است که در هر یک از حالات فوق می‌تواند نقد مثبت و همسو نیز صورت گیرد.



کامل بودن یا نبودن اجزای آن مورد نقد قرار می‌گیرد که بطور کلی می‌توان آنرا در سه قسمت طبقه‌بندی کرد:

### الف: نقد روش استدلال

در صورتی که پیش فرض ناقد «استناد به قانون و قانون مداری» در صدور و انشاء رای باشد و رای بدون توجه به قوانین صریح مستقیماً به اصول حقوقی یا منابع فقهی استناد کند و حکم قضیه را استخراج نماید این رای قابل نقد خواهد بود. مثلاً در صورتی که از تخلف متعهد خسارتی به متعهدله وارد شود به موجب ماده ۲۳۰ قانون مدنی دادرسی نمی‌تواند میزان وجه التزام را کم یا زیاد کند حال اگر دادرسی در مقام انشاء رای بدون توجه به صراحت قانون و با استناد به قاعده انصاف یا عدالت میزان وجه التزام را کم یا زیاد نماید رای صادره از حیث «روش استدلال» قابل نقد خواهد بود.<sup>۱</sup>

در این نوع از نقد لزوم تعیین پیش فرض بیش از پیش خودنمایی می‌کند و قبل از تحلیل ساختار استدلال یک رای باید بطور دقیق مشخص شود که پیش فرض ناقد در روش استدلال قضایی چیست؟ و بعد از تعیین پیش فرض اقدام به نقد نماید.

### ب: نقد کامل بودن یا نبودن اجزای رای

هر رای باید دارای اجزاء و ارکانی باشد بنابراین در صورتی که رایی از این جهت نقد شود که دارای استدلال نیست یا اینکه قبل از صدور رای ختم رسیدگی یا دادرسی اعلام نشده است. همچنین انتقاد شود که مقدمه و گرد شکار در متن رای آمده یا فقط به ذکر ادعاها و دفاعیات اصحاب دعوا بسنده شده و از حیث ذکر

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: اعظمی چهاربرج، حسین، - «نقد روش استدلال حقوقی یک رای» قابل

استدلالات قضایی دارای ایراد است یا بر عکس در این موارد دارای نقاط قوت می‌باشد، این نقد، نقد ساختاری خواهد بود.<sup>۱</sup>

### ج: نقد رای به جهت شیوه قرار گرفتن استدلالات و اجزای آن

در صورتی که منتقد رای را از حیث چگونگی قرار گرفتن و تقدم یا تأخر استفاده از استدلالهای قضایی مورد بررسی قرار دهد و ترتیب استفاده از استدلالهای حکمی و موضوعی را تایید یا رد نماید در این صورت نقد صورت گرفته نقد ساختاری خواهد بود. مثلاً، در صورتی که رایی در خصوص تخلیه عین مستأجره صادر شود و در متن رای بدو امتناع از تخلیه احراز شود و سپس رابطه استیجاری بین خواهان و خوانده احراز و در متن رای آورده شود، نهایتاً انقضای مدت اجاره احراز گردد در این صورت هر چند رای صادره از حیث رعایت ارکان دعوی تخلیه کامل است ولی از جهت ساختاری و رعایت تقدم و تأخر استدلالات قضایی قابل انتقاد بنظر می‌رسد.

همچنین چنانچه در یک رای احکام متعددی از جمله برائت، محکومیت و موقوفی تعقیب صادر شود و ابتدا حکم برائت، سپس محکومیت و نهایتاً موقوفی تعقیب ذکر شود شاید این نحوه قرار گرفتن احکام متعدد در یک رای از نظر ناقد قابل انتقاد یا تایید باشد و از این منظر اقدام به نقد بنماید.

### بند سوم: نقد نگارشی

در نگارش و انشاء رای لاجرم باید قواعد ادبی و نگارشی خاصی رعایت شود هر چند رعایت یا عدم رعایت این قواعد ارتباط چندانی به سواد حقوقی و قضایی

۱. رجوع کنید: بختیارنژاد، پروین «اصلاح رویه قضایی با نقد آرای قضایی گفتگو با دکتر کاتوزیان»،

روزنامه شرق، ۱۳۸۴/۸/۲۶

صادر کننده رای ندارد ولی بطور مرسوم یکی از روش‌های نقد رای، نقد نگارشی آن است که این نوع از نقدها در دو قسمت مجزا قابل بررسی است.

### الف: نقد رای از حیث رعایت قواعد نگارشی

در این نوع نقد معمولاً قواعد نگارش فارسی به عنوان پیش فرض در نظر گرفته می‌شود که به چند مورد اشاره می‌کنیم:

- نوشتن عبارت «دائر» به جای عبارت «دایر» در بیان اتهام متهم مورد انتقاد است چرا که به موجب قواعد نگارش فارسی نباید از «همزه» در نوشتن عبارات فارسی استفاده کرد.

- واژه «را» که نشانه مفعول مستقیم است نباید با کلمه پیش از خود پیوسته نوشته شود بنابراین نوشتن کلمه «آنها - ایشانرا» غلط است و باید بصورت جدا نوشته شود.

- متصل نوشتن پیش واژه «می» و «هیچ» به فعل و اسم بعد از آنها درست نیست. پس به جای «میدارد، میشود، هیچگونه» باید نوشته شود؛ می‌دارد، می‌شود و هیچ‌گونه.

- استفاده از ترکیب بالفور یا فی الفور به جای فوراً و فوری و بی‌درنگ فاقد فصاحت است لذا باید از کلمات اخیر استفاده شود.<sup>۱</sup>

### ب: نقد استعمال کلمات یا عبارات غیر حقوقی یا اصطلاحات غیر متعارف و غلط

ممکن است در متن رای اصطلاحات و عباراتی به کار رود که دارای فصاحت نبوده و نادرست باشد و یا اینکه عبارات سلیس و روان بکار رود و از این حیث رای

۱. رجوع کنید: خسروی، محمدرضا، «نقد نگارشی یک رای»، مجله قضاوت، دی ماه ۱۳۸۲، ش ۲، صص

مورد نقد قرار گیرد: مثلاً، استفاده از عباراتی مثل، صحابه دعوا، من حیث نتیجه، مانحن فیه، مبحث عنه فوق الاشاره، فعلیهذا، مصدر چک، فرجه مقرر قانونی، معانی مذکوره، مقرر و مدعن، اخیرالاشاره، در رای مورد پذیرش نیست و در صورتی که رای دارای عبارات فوق باشد دارای انتقاد خواهد بود.<sup>۱</sup>

از طرفی ممکن است قاضی صادر کننده رای، جملاتی را در رای بیاورد که شایسته ذکر در رای نباشد و از این حیث رای قابل انتقاد باشد: مثلاً در یکی از آراء محاکم تجدیدنظر عبارات زیر آمده است: «...معلوم می‌شود نماینده حقوقی آقای ... از سواد قضایی کافی برخوردار نبود و بهتر بود در این گونه موارد از مشاوره و کلای دادگستری بهره‌مند و کسب علم و آگاهی می‌نمود.» یا اینکه «... استدلال آقای ... قانون جنگل را به ذهن تداعی نمود...» که این نحوه استفاده از عبارات مورد انتقاد قرار گرفته است.<sup>۲</sup>

### گفتار سوم: نقد اثر رای

آراء صادره از مراجع قضایی در اغلب موارد به غیر از اثر مستقیمی که بر اصحاب دعوا دارند آثار فرعی نیز بر اجتماع می‌گذارد به این دلیل گاهی محتوا و اصل رای مورد نقد قرار نمی‌گیرد بلکه آثار مثبت یا منفی که بر جامعه می‌گذارد مورد توجه نویسنده بوده و از این منظر نقد رای صورت می‌گیرد. در این شیوه نقد غالباً به آرای پرداخته می‌شود که به دلیل تأثیر آن بر رویه قضایی یا ویژگی‌های شخصیت طرفین دعوا و یا ابعاد موضوع آن واجد اهمیت بسزایی باشد که ذیلاً به سه نمونه اشاره می‌شود:

۱. رجوع کنید: خسروی، محمدرضا: «نقدنگارشی یک رای»، مجله قضاوت، آبان و آذر ۱۳۸۵، ش ۴۱، ص ۱۹.

۲. رجوع کنید: خسروی، محمدرضا، نقد نگارشی یک رای، مجله قضاوت، دی ۱۳۸۲، ش ۲۰، ص ۵۳.

### بند اول: نقد رای از حیث اثر آن بر اقتصاد

آراء قابل توجهی راجع به پذیرش یا عدم پذیرش خسارت مازاد بر دیه صادر شده است و در رساله‌ها و پایانامه‌ها و پژوهش‌های دانشگاهی مورد استفاده و استناد قرار گرفته است این آراء می‌تواند در روابط بیمه‌گذار و بیمه‌گر و میزان حق بیمه (خصوصاً در بیمه‌های شخص ثالث) موثر باشند. این آراء صادره می‌توانند از حیث آثاری که در روابط اقتصادی بیمه‌گذار و بیمه‌گر دارند مورد نقد قرار گیرند، که این نوع پژوهش، نقد اثر اقتصادی رای خواهد بود.

در این نوع نقد بجای تمسک به قواعد و اصول حقوقی از تحلیل‌های اقتصادی و خصوصاً مؤلفه‌های اقتصاد خرد استفاده می‌شود و کارآمدی یا ناکارآمدی اقتصادی رای بررسی می‌شود.

### بند دوم: نقد اثر اجتماعی، امنیتی رای

ممکن است رای در خصوص سارقان، کلاهبرداران یا اطفال به شیوه خاصی نگارش شود. مثلاً در تعیین مجازات برای اطفال از جایگزین‌های مناسب استفاده کند یا اینکه در تعیین کیفر برای زورگیران یا سارقان به عنف، شدت عمل به خرج داده و از تخفیف و تعلیق اجرای حکم خودداری نماید.<sup>۱</sup> همچنین از مجازات‌های تکمیلی استفاده کند چنین آرای می‌تواند آثار مثبت یا منفی بر اجتماع داشته باشند. حال اگر ناقد این نوع از آراء را از حیث آثار آن مورد تحلیل قرار دهد، مثلاً اثر آراء شدید را در کاهش خشونت در جامعه مورد تحلیل قرار دهد یا آثار مثبت رای صادره در خصوص اطفال در کاهش بزهکاری این قشر را مورد بررسی قرار دهد، این نقد «نقد اثر رای» خواهد بود.

۱. مثل رای که اخیراً از شعبه ۱۵ دادگاههای انقلاب اسلامی تهران در پرونده مشهور به «زورگیران خیابانی» صادر شده است.

در این نوع نقد بیشتر از شیوه‌های میدانی و مصاحبه برای جمع‌آوری داده‌ها و از روش‌های آماری برای تحلیل آنها استفاده می‌شود و کمتر به قواعد و اصول حقوقی در نقد رای استناد می‌شود.

### بند سوم: نقد اثر رای بر دادرسی

هر چند اصل نسبی بودن آرا قضایی در نظام حقوقی ما حاکم است و اصولاً اثر هر رای نسبت به اصحاب همان دعوا، همان موضوع و همان پرونده است و از این حیث اثری بر سایر دعاوی ندارد ولی آرای مثل آراء وحدت رویه قضایی، می‌تواند موثر در رسیدگی به پرونده‌های دیگر باشد و موجب اطاله دادرسی یا تسریع در رسیدگی گردد.

مثلاً؛ برخی از آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور رای بدوی صادره در دعاوی خاصی مثل دعاوی اعسار یا جرم قاچاق کالا و ارز را قابل تجدیدنظر می‌داند که این آراء در تطویل رسیدگی بر پرونده‌ها موثراند. اگر چنین رای‌ای از جهت اثر آن بر زمان رسیدگی و تعیین تکلیف پرونده مورد نقادی قرار گیرند، نقد اثر رای خواهد بود.

در این نوع نقد، از استدلال‌ها و قواعد حقوقی برای نقد استفاده می‌شود ولی این استدلال‌ها راجع به خود رای، ماهیت و ساختار آن نیست بلکه اثر رای را در نظام حقوقی مورد تحلیل قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

۱. رجوع کنید: حقیقی، مظاهر، نقد رای ۶۶۲ مورخ ۸۲/۷/۲۹ هیات عمومی دیوان عالی کشور قابل دسترسی

### گفتار چهارم: سایر انواع نقد

علاوه بر حالاتی که بیان شد می‌توان شقوق دیگری را می‌توان برای نقد رای در نظر گرفت از جمله:

#### بند اول: نقد روبه قضایی

ممکن است رای بطور خاص مورد نقد قرار نگیرد بلکه مجموعه‌ای از آراء مورد بررسی و تحلیل واقع شود که این روش در واقع «نقد روبه قضایی» است. در این روش معمولاً وجه اشتراک آراء استخراج و در خصوص این خصیصه از آنها نقد صورت می‌گیرد.<sup>۱</sup>

مثلاً؛ چنانچه شخص مجموعه‌ای از آراء محاکم در خصوص جرم نگهداری و حمل اسلحه و مهمات را جمع‌آوری نماید و سپس با بررسی آنها اظهار نظر قضات صادر کننده در خصوص مرجع صالح را استخراج و این اظهار نظر را مورد نقد قرار دهد و بر فرض استدلال قضات در خصوص صلاحیت محاکم عمومی را تایید و در تبیین و توضیح آن استدلال کند و از استدلال بر صلاحیت محاکم انقلاب انتقاد نموده و نقاط ضعف آنرا نمایان سازد در واقع در این حالت نقد مجموعه‌ای از آراءها یا روبه قضایی صورت گرفته است نه نقد یک رای.

#### بند دوم: نقد تطبیقی رای:

همانطور که می‌دانیم، غالباً رای در نظام ملّی و داخلی مفهوم پیدا می‌کند و قاضی یا دادرس در مقام رسیدگی یا صدور رای به قواعد و مقررات نظام ملّی استناد کرده و انشاء رای می‌نماید. بنابراین در نقد رای نیز لاجرم محدوده تحقیق و

۱. رجوع کنید: انصاری پور، محمدعلی و صادقی مقدم، محمدحسن، مقاله «اجرت‌المثل کارهای زوجه و نقد آرای محاکم در این زمینه» مجله مدرس (علوم انسانی)، بهار ۱۳۸۴، شماره ۴۱، صص ۲۴-۱.

نقد باید حقوق داخلی و ملی باشد و نقد رای با تکیه بر قواعد و مقررات حقوق کشورهای دیگر یا اسناد بین‌المللی مرسوم نبوده و چه بسا قابل پذیرش نیست. ولی در برخی موارد ممکن است رای بر اساس قواعد و مقررات خارجی و بین‌المللی مورد نقد قرار گیرد.

در این نوع از نقد معمولاً ناقد در مقام بیان ویژگی‌های بین‌المللی رای صادره است و با ذکر قواعد خارجی درصدد تایید و توضیح و تکمیل استدلالات رای است و یا اینکه می‌خواهد وجود قاعده حقوقی در کشورهای دیگر را با تکیه بر استدلالات یا نتیجه رای در حقوق ایران نیز جاری و ساری بداند. لازم به ذکر است که در این نوع از نقد باید پیش فرض حقوق داخلی را نادیده گرفت و مقررات حقوق داخلی، خارجی و احیاناً بین‌المللی را به عنوان پیش فرض قرار داد.

### بند سوم: نقد غیر مستقیم رای

این نوع نقد بیشتر در رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها و یا کتب حقوقی دیده می‌شود. در این نقد نویسنده یک موضوع یا قاعده حقوقی را با چهار چوب مدنظر خود تبیین می‌کند آنگاه رای مورد نقد را با یافته‌های تحقیق و پژوهش خود محک می‌زند و در لوای این مقایسه، رای را نیز نقد می‌نماید. گاهی از آن به عنوان مؤید و تأیید کننده نوشتار خود بهره می‌برد و زمانی به دلیل عدم مطابقت مدلول رای با یافته‌های پژوهش و تحقیق، از آن انتقاد می‌کرده و نقاط ضعف و کاستی‌های آن را بیان می‌کند.

در این نوع نقد، بیشتر به نقد محتوای رای و رعایت یا عدم رعایت مقررات و قواعد حقوقی پرداخته می‌شود و با توجه به هدفی که از آن دنبال می‌گردد، نقد ساختاری و نگارشی رای مفروغ عنه بوده و معمولاً مورد توجه ناقد قرار نمی‌گیرد.





پرویشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان به شرح زیر جمع‌بندی کرد:

- ۱- در هر نوع نقدی باید چهارچوب‌ها و پیش فرض‌های آن را در نظر گرفت و با تکیه بر پیش فرض‌ها و هدف پژوهش، نقد صورت گیرد.
- ۲- ناقد در نقد و بررسی رای می‌تواند هر کدام از انواع و روش‌های نقد را برگزیند و وجود تنوع در شیوه‌های نقد رای موجب می‌شود که محقق از هر دیدگاهی که بخواهد به رای توجه نموده و نقاط قوت و ضعف آن را نمایان سازد. این تنوع از جهت دیگری نیز قابل تأمل است و آن اینکه صادر کننده رای نیز از هر جهت رای خود را در معرض نقد می‌بیند و این امر باعث توجه مضاعف به ساختار، محتوا، نگارش و آثار رای از سوی وی می‌شود.
- ۳- رای به عنوان محصول و نتیجه نهایی اقدامات قضایی مورد نقد قرار می‌گیرد لذا در نقد رای باید از نقد صادر کننده آن اجتناب نمود. بنابراین اگر بناچار در ضمن نقد، انشاء کننده رای نیز مورد انتقاد قرار گیرد، این اقدام می‌بایست ثانیاً و بالعرض بوده و جنبه فرعی داشته باشد و شایسته نیست که نقد رای به نقد قاضی صادر کننده آن تبدیل شود.
- ۴- نهایتاً در نقد رای بهتر است ارائه طریق شود و احیاناً برای خواننده نقد، منابع و آراء دیگری جهت مطالعه معرفی گردد.

## منابع

۱. اعظمی چهاربرج، حسین، «نقد روش استدلال حقوقی یک رای» قابل دسترسی در: [www.Rhoghough.ir](http://www.Rhoghough.ir)
۲. انصاری‌پور، محمدعلی و صادقی مقدم، محمدحسین، مقاله «اجرت‌المثل کارهای زوجه و نقد آرای محاکم در این زمینه» مجله مدرس (علوم انسانی)، بهار ۱۳۸۴، شماره ۴۱، صص ۱-۲۴.
۳. بختیارنژاد، پروین «اصلاح رویه قضایی با نقد آرای قضایی گفتگو با دکتر کاتوزیان، روزنامه شرق، ۱۳۸۴/۸/۲۶
۴. حقیقی، مظاهر، نقد رای ۶۶۲ مورخ ۸۲/۷/۲۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور قابل دسترسی در [WWW.ISNA.IR](http://WWW.ISNA.IR)
۵. خسروی، محمدرضا، «نقد نگارشی یک رای، مجله قضاوت»، آبان و آذر ماه ۱۳۸۵، ش ۴۱، ص ۱۹.
۶. -----، «نقد نگارشی یک رای»، مجله قضاوت، دی ۱۳۸۲، ش ۲۰، ص ۵۳-۵۴.
۷. عظیمیان، محمد، نقد رای شماره ۱۴۰ - ۱۳۸۶/۳/۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ماهنامه کانون، شماره ۱۰۹، صص ۱۰۷-۹۶.
۸. گرجی، مصطفی، «نقد و انتقاد مجله اطلاع رسانی و کتابداری»، کتاب ماه، دی ماه ۱۳۸۹ ش ۱۵۹، ص ۱۱۰.
۹. روش تحلیل انتقادی مطالعات پژوهشی (نقد علمی) فصل ۱۳ ص ۱۶۶ قابل دسترس در : [www.pdfactory.com](http://www.pdfactory.com)



پښتونستان ښار  
پښتونستان ښار  
پښتونستان ښار